مدیریت شهری
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017
۱۱۹-۱۳۰
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۶/۲۳ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱۱/۴

تدوین شاخص های کالبدی موثر در خلق حس مکان در توسعه جدید شهری

نسار دانش پایه- گروه شهرسازی، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
فرح حبیب *- گروه شهرسازی، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
شیرین طغیانی - گروه شهرسازی، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

چکیده
حس مکان مفهومی کلی و پیچیده از احساسات انسان نسبت به محیط است که در اثر انطباق و استفاده انسان از مکان به وجود می آید و از مفاهیم مهم در ارتقاء کیفیت محیط های انسانی و شکل گیری پایه های ارتباطی استفاده کنندگان از محیط است. پژوهش حاضر تاثیر عوامل کالبدی بر حس مکان را بررسی می کند و در راستای شناسایی و تدوین ویژگیهای کالبدی زمینه ساز حس مکان در توسعه جدید شهری می باشد.ابتدا به مفهوم حس مکان از دیدگاههای مختلف پرداخته و عوامل شکل دهنده آنرا بیان می کند و در نهایت با تشخیص ده شاخص کلیدی،مدلی تحلیلی برای نشان دادن تاثیر این عوامل بر القای حس مکان ارائه می کند.روش تحقیق از نوع توصیفی- تحلیلی و در بستری پیمایشی و با استفاده از ابزار گردآوری داده از طریق مطالعات کتابخانه ای و با ارجاع به مستندات و مدارک موجود و پرسش نامه ها به ارزیابی تحقیقات انجام شده پرداخته است. همچنین از روش های آماری مدلسازی معادلات ساختاری، تحلیل عامل تاییدی، برآورد حداکثر درست نمایی، آزمون همبستگی پیرسون و مدل رگرسیون خطی چندگانه برای تایید مدل و تعیین ماهیت رابطه میان انگاره حس مکان و مولفه های کالبدی و نیز از روش تصمیم گیری چند معیاره تاپسیس برای رتبه بندی مولفه های القا کننده حس مکان استفاده شده است و در این راستا محلات چشمه و دهکده المپیک از منطقه ۲۲ شهرداری تهران بعنوان نمونه مطالعه انتخاب شدند. نتایج پژوهش نشان داد، عوامل کالبدی در شکل گیری حس مکان در دو سطح در محیط موثر است: در سطح اول، ویژگیهای کالبدی محیط با تسهیل فعالیتها منطبق بر الگوهای رفتاری افراد و با تامین نیازهای استفاده کنندگان از مکان، در برقراری رضایت از محیط موثر واقع شده و امکان ایجاد و ارتقاء حس مکان را فراهم می نمایند. در سطح دوم، عناصر کالبدی محیط منبعث از تصاویر ذهنی افراد و ادراک آنان از محیط بوده و از طریق تناسب بین فرم و عملکردها، تمایز کالبدی، خوانایی و تداعی معنایی، واسطه بصری در ایجاد ارتباط ذهنی بین استفاده کنندگان از مکان را فراهم می نمایند.
واژگان کلیدی: مکان، حس مکان، مولفه های کالبدی، توسعه جدید شهری.

Explanation of effective physical component in creating a sense of place in the new urban development

Abstract
The sense of place is an overall complex concept of human emotions about the environment and is created by human adaption and use of place. It is also among the important concepts in improving the quality of human environment and creation of environment users' bases of communication. This research seeks to investigate the impact of physical factors on the sense of place and it is in line with identifying and developing the physical characteristics underlying the sense of place in the new urban development. It initially studies the concept of sense of place from different perspectives and explains its constituting factors, and finally provides an analytical model to indicate the impact of these factors on inducing the sense of place by identification of ten key indices. This research has descriptive-analytical method and survey type and evaluates the conducted studies through data collection tool and by library research and reference to the documentation and evidence, and questionnaires. Furthermore, the statistical methods such as the structural equation modeling, confirmatory factor analysis, maximum likelihood estimation, Pearson correlation test, and multiple linear regression model are utilized to confirm model and determine the nature of relationship between the sense of place and the physical components as well as TOPSIS multi-criteria decision-making method for ranking the factors which induce the sense of place. In this regard, Cheshmeh and Dehkadeh-Olympic neighborhoods from district 22 of Tehran Municipality are selected as the research examples. According to the research results, the physical factors are effective in creation of sense of place at two levels in the environment: At the first level, the physical environmental features provide the satisfaction with environment and create and promote the sense of place by facilitating the activities based on the individual behavioral models and fulfilling the place users' needs.
Keywords: Place, sense of place, physical components, new urban development

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۸۸۳۵۶۶۵۴ ، رایانامه: f.habib@srb.iau.ac.ir

[Downloaded from iumm.ir on 2026-11-26]

۱- مقدمه

امروزه از دست رفتن مکان پیش از هر چیز در سطح شهر احساس میشود. قرارگاه مدرن به جای آنکه مکانی شهری باشد، بصورت خانه گسترده شده ای شرح و بسط یافت (شولتز، ۱۳۸۹، ص ۲۷۹). محیط زندگی انسان مدرن، از جهان دارای روح و آمیخته با طبیعت، به محیط شهری لبریز از سر و صدا، گیجی و فردگرایی تغییر یافته است. در حالیکه یکی از اصلی ترین دلایل ایجاد یا توسعه شهرها، بنای ساختمانها، فضاهای باز شهری و زیر ساخت های شهری، تامین فعالیت های جاری و بالقوه انسان است (لنگ، ۱۳۹۴، ص ۱۲۷). عامل اساسی که در ساختن مکان ها نقش اصلی ایفا میکند، مبتنی بر توانایی شهرساز و طراح در پاسخگویی توام با حساسیت به شرایط انسانی است. باید به یاد داشت که تعامل و کنشمندی بین فضا و فرد یا افراد موجود در آن فضا، ساختار مکان را به حد اعلا می رساند (پرتوی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۳). و تنها زمانی که مکانمان را ادراک کنیم ممکن است قادر باشیم تا خلاقانه در آن مشارکت کرده و در تاریخ آن سهمی داشته باشیم (شولتز، ۱۳۸۹، ص ۲۹۰).

تغییر الگوی زندگی و به تبع آن تغییر در نیازهای انسان مدرن، تغییرات شتاب زده بافتها در کنار لاینحل ماندن رفع نیازهای ساکنان، منجر به تضعیف و گسست دلبستگی مکانی در آنها شده است. اگرچه نظمی عمومی حاکم است اما برای ما هیچ حس مکانی را منتقل نمی کنند. بافت شهری گسترده شده، پیوستگی دیوارهای شهری قطع شده و انسجام فضاهای شهری آسیب دیده است. کلیت شهر فاقد خوانایی و تصور پذیری است (شولتز، ۱۳۸۹، ص ۲۷۱). به واقع یکی از ابعاد مهم و تاثیر گذار در ارتقاء کیفیت محیط های انسانی، مطلوبیت فضاهای شهری و میزان رضایت از آن، حس مکان است. این حس بعنوان عاملی مهم در شکل گیری پایه های ارتباطی انسان و محیط، زمینه ارتقاء کیفیت محیط را فراهم می آورد. چرا که احساس عاطفی نسبت به مکان سبب می شود تا افراد ارتباطات و تعاملات نزدیک تری با شهروندان دیگر در فضاهای عمومی برقرار کند، پیوندهای اجتماعی قوی تری با مکان داشته باشند، به واسطه برقراری روابط اجتماعی سالم به هنگام حضور در فضا احساس سرزندگی و شادکامی کند و احترام بیشتری برای مکان و عناصر آن قائل باشد. ضرورت اصلی شکل گیری پژوهش حاضر، در لزوم تبیین چارچوب نظری و عملیاتی کردن این چارچوب در ارتقاء حس مکان شهروندان به اینگونه فضاها خلاصه میشود. همچنین در باب ضرورت انجام دادن پژوهش حاضر به مواردی چون بررسی قابلیت توسعه های جدید شهری در القاء حس مکان به شهروندان و ارتقاء ارتباطات و تعاملات اجتماعی مطلوب شهروندان در فضاهای عمومی شهری و تقویت رابطه عاطفی و معنایی - ادراکی ایشان با اینگونه فضاها اشاره کرد. بدین منظور محلات چشمه و دهکده المپیک در منطقه ۲۲ شهرداری تهران بعنوان نمونه ای از توسعه های جدید شهری مورد مطالعه قرار گرفته اند.

۲- مبانی نظری

۲-۱-تعاریف

۲-۱-۱- تعریف مکان

مکان های معنی دار، در یک بستر اجتماعی و بر اثر تعاملات اجتماعی میان افراد در یک محیط فیزیکی شکل می گیرند که با بسترهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر آن جامعه در پیوند هستند. این امر باعث تشکیل یک حس مکان شخصی می شود که خود در نهایت منجر به شکل گیری نوعی هویت ذهنی نسبت به محیط در ذهن فرد می گردد (Agnew, ۱۹۸۷:۲۸).

رلف (۱۹۷۶) مکان را در سه وجه تعریف می کند: کالبد، فعالیت و معنا. وی معتقد است که از میان این سه وجه، معنا نسبت به دو وجه دیگر از اهمیتی بیشتر برخوردار است و دشوارتر از بقیه به دست می آید. در همان دوران، کانتر (۱۹۷۷) مدلی سه بخشی از مکان را ارائه داد که در آن مکان

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

برگرفتـه از سـه بخـش فعالیـت هـا، تصـورات و فـرم بـود (Canter,۱۹۷۷). گوستافسـون (۲۰۰۱) بـا پایـه قـرار دادن و قیـاس تطبیقـی نظریـات کانتـر و رلف به توصیـف رویکـرد تعاملـی سـه قطبـی فـرد، دیگـران و محیـط بـه عنـوان مـدل چهارچوبـی نظری در شـکل گیـری معنـی پرداخـت (Gustafson,۲۰۰۱).

۲-۱-۲-حس مکان و مفاهیم مرتبط با آن

اصطـلاح حـس مـکان بدیـن معناسـت کـه مـردم تجربیاتـی فـرای خصوصیـات کالبـدی مـکان، کـه از طریـق حـواس پنجگانـه قابـل حصـول اسـت، داشـته باشـند و نوعـی حـس تعلق بـه روح مـکان پیـدا کنند (جکسـون، ۱۹۹۴؛ بـه نقـل از کرمونـا، ۱۳۸۸؛۱۸۷). حـس مکان وابسـتگی هـای مـردم و پیوسـتگی آنها با مکان هایشـان و یا آنچه برخی آن را سـاختار احسـاس نامیـده اند، را در بـر می گیرد (عارفـی، ۱۹۹۹). برخی از صاحـب نظـران معتقدنـد حـس مـکان در برگیرنده سـه مولفـه اسـت: هویـت مـکان، دلبسـتگی بـه مکان و وابسـتگی بـه مـکان (Jorgensen & Stedman, ۲۰۰۱, ۲۰۰۶).

مفهـوم روانشـناختی هویـت مکانـی اولیـن بار توسـط «هارولد پروشانسـکی» مطرح شـد. هویت مکان، درک افـراد از هویـت خـود در ارتبـاط بـا محیـط کالبـدی تعریـف شـده اسـت (Proshansky, ۱۹۷۸). بـه طـور کلـی ایـن مولفـه بـه واسـطه الگـوی ایـده هـای خـوداگاه و ناخـوداگاه، باورهـا، احساسـات، ارزشـها، اهـداف و تمایـلات رفتـاری مرتبـط بـا محیـط شـکل گرفتـه اسـت (Proshansky, ۱۹۷۸). دلبسـتگی بـه مـکان، ارتبـاط عاطفی پیچیـده بین مـردم و مکان که فراتـر از شـناخت، اولویـت و قضاوت اسـت. دلبسـتگی بـه مـکان همچنیـن اشـاره بـه غنـای معانـی دارد کـه متاثـر از آشـنایی و تـدارم مراجعـه اسـت (Lindsay ,, Gifford ۲۰۱۴,۲۱). و عمومـاً پـس ازآنکـه افـراد تجربـه ای درازمـدت دارنـد، اتفـاق می افتـد و در این فرآینـد، مـکان معنـای وسـیعی بـرای فـرد مـی یابـد (Tuan,۱۹۷۴,Kaplan,۱۹۹۵,۱۷۲).

در ایـن رابطـه تـوآن، بـر وجـود عاملی به عنوان ریشـه داری در مـکان اشـاره دارد کـه بـه معنای همبسـتگی و یکـی شـدن فـرد بـا مـکان اسـت (Tuan,۱۹۸۰,۶). ریلـی در پژوهـش خود دریافت که دلبسـتگی به مکان برخاسـته از خاطـرات دوران رشـد فرد اسـت. او بر این عقیـده اسـت کـه انسـان مکانـی را بیشـتر به یـاد می آورد کـه وقایـع مطلوبـی را در آن تجربـه کـرده اسـت (Riley,۱۹۹۲,۱۹). مولفـه سـوم، وابسـتگی بـه مکان، وابسـته بـه ادراک افراد اسـت (چه مثبـت و چه منفی). ایـن مولفـه اشـاره بـه ارتباطات فـرد- مکان بر اسـاس فعالیـت هـای مشـخص دارد. اغلب وابسـتگی به مکان بعـد از ارزیابـی افـراد درباره میـزان موفقیـت اماکن در دسـتیابی بـه اهداف مـورد نظر اسـتفاده کننـدگان به وجود مـی آیـد (Jorgensen & Stedman, ۲۰۰۱). «ویلیامز» نیز دیگر پژوهشـگری اسـت کـه حس مکان را مرتبـط بـا دو عامـل «وابسـتگی مکانـی» و «هویـت مکانـی» مـی دانـد (Lindsay, Gifford,۲۰۱۴,۲۱). برخـی دیگر صاحب نظـران بر این اعتقادنـد که هویت مـکان، دلبسـتگی به مـکان و وابسـتگی به مـکان را به صـورت واحـد می تـوان حـس مـکان نامید امـا برخی دیگـر اظهـار داشـته انـد کـه کـه دلبسـتگی بـه مکان منتـج از هویـت مـکان و وابسـتگی بـه مـکان اسـت (Altman & Low, ۱۹۹۲).

«شـولتز» در ایـن راسـتا، واژه روح مـکان را مطـرح می کنـد و بـرای فهـم روح مـکان، مفاهیـم معنـا (ریشـه در روابـط شـیء بـا اشـیای دیگـر) و سـاختار (ویژگـی هـای شـکلی و فرمـی مجموعـه ای از روابـط) را بیـان کـرد سـاختار و معنـا وجـوه یـک کلیـت انـد (شـولتز، ۱۳۸۹؛۲۳۲). روح مکان (spirit of Place) خصوصیتی ذاتـی و ظاهـری اسـت. عـلاوه بـر تاثیـر شـکل زمیـن، فرآینـد تغییـرات فیزیکـی و روابـط حاصلـه از زندگـی طولانـی مـدت در یـک مـکان، در درک روح آن مکان، موثـر مـی باشـد (رلـف، ۱۳۸۹، ص ۸۲). مکانـی کـه دارای روحـی قدرتمنـد اسـت، بـه تولیـد حسـی قوی از آن مـکان کمـک مـی کند.

«یـان فـو توان» بـه جای حـس مکان اصطـلاح «مکان دوسـتی» را مطـرح می کنـد و آن را پیوندی بر محبت

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

و تاثیـر گـذار میان مـردم و مکان هـا یـا قرارگاه ها می دانـد (Tuan,۲۰۰۱). وی بـه منظـور بیـان مفهـوم مـکان، آن را بـه دو قسـمت روح مـکان یـا مشـخصه مـکان و حـس مکان تقسـیم نموده و به بعد شـخصیت مـکان اشـاره می کند. وی معتقد اسـت کـه تمام مکان هـا دارای روح یـا شـخصیت مـی باشـد ولـی داشـتن حـس مـکان را مسـتلزم حضـور فـرد در فضا مـی داند (Tuan,۲۰۰۱).

«اسـتفانویچ» مـی گویـد حـس مـکان، تنهـا یـک راه سـاده بـرای توضیـح نحـوه ادراک یـا دریافـت مـکان توسـط فرد نیسـت بلکه مفهومی ارزشـی و چند بعدی اسـت و بـه شناسـایی نمادیـن و عاطفی فرد نسـبت به مـکان مربوط می شـود. به عقیده «کریسـتین نوربرگ شـولتز»، حـس مـکان در مکان هایـی یافت می شـود کـه دارای شـخصیت مشـخص و متمایـز هسـتند و شـخصیت محیطـی از چیزهای ملموس سـاخته شـده کـه دارای مصالـح، شـکل، بافـت، رنگ، مقیـاس، تنوع، چشـم انـداز و برجسـتگی اسـت (شـولتز، ۱۳۸۹). همچنیـن «ادراک» و «جهـت یابـی» را از عوامـل مهـم در ایجـاد حـس نسـبت بـه مـکان ها مـی داند و معتقـد اسـت جایی که نظـام جهت یابی ضعیف اسـت تصویر سـازی مشـکل می شـود و انسـان احسـاس گم گشـتگی می کنـد (همـان؛ ۳۵). «اسـتیل» مهم ترین عوامـل کالبـدی موثـر در ادراک و حس مـکان را اندازه مـکان، درجـه محصوریـت، تضـاد مقیـاس، تناسـب، مقیـاس انسـانی، بافـت، رنـگ و تنـوع بصری مـی داند (مرتضـوی، ۱۳۹۲، ص ۷۰). به عقیده «دیوید هیومن» جامعه شـناس، حس مـکان عبارتنـد از ادراکات ذهنی افـراد دربـاره محیطشـان و احساسـات کـم و بیـش خـود آگاه آنهـا در مـورد آن. حـس مـکان در تعریفـی کـه وی ارائـه کـرده بـه مفهـوم دلبسـتگی بـه اجتماع مـی باشـد. وی پنـج گونـه حـس مـکان را معرفـی می کنـد کـه عبارت اسـت از: ریشـه داری عقیدتی، ریشـه داری ناخـودآگاه، مـکان نسـبی، بیگانگی بـا مکان و بی مکانی (Hummon,۱۹۹۲,۲۶۲). «شـامای» ۱۹۹۱، اظهـار مـی دارد حـس مـکان مخلوطـی از احساسـات خـود آگاه و ناخـود آگاه و دریافـت هـا (ادراک) اسـت؛ مفهومـی اسـت غنـی کـه چگونگـی دریافـت، تجربه و بیـان افـراد را شـامل میشـود و بـه یک مـکان معنا می دهـد و حـس فـرد از مـکان روی نگرشـها و رفتـار وی در آن مـکان تأثیر میگـذارد (Shamai, ۱۹۹۱,۳۴۷-۳۵۸). وی سـه مرحلـه اصلـی را برای حـس مکان بیان مـی دارد؛ تعلـق به مکان، دلبسـتگی به مـکان و تعهد بـه مـکان. او معتقد اسـت در جهت ایجـاد این حس ما نیـاز بـه یـک تجربه عمیـق و طولانی از مـکان و درگیر شـدن کامل با مـکان را داریم. «آلتمـن» حس مکان را بیش از تجربه شـناختی دانسـته و اعتقـاد دارد که این حـس، عقایـد فرهنگـی مرتبط کننـده افراد بـا محیط را شـامل میشـود و خصوصیات این محیط را در عوامل مقیـاس، اختصاصـی بـودن، قابل دسـترس بـودن بیان مـی کنـد (Altman&Low,۱۹۹۲).

۲-۲-چارچوب نظری پژوهش

در طـول چهـار دهـه گذشـته، چارچوب هـای معرفت شـناختی مـورد بحث در بـالا، نظریه هـای گوناگونی را بـا توجـه بـه ماهیـت حس مـکان تولیـد کرده انـد. در ابتـدا نوشـته هـای نظـری حـس مـکان را بـا مفاهیم روح مـکان برابـر دانسـته انـد. ایـن نظریـه معتقـد اسـت کـه حـس مـکان در اصل وابسـته بـه کیفیتهای فیزیکـی یـک محل اسـت و به این ترتیـب ویژگی های زیسـت محیطـی درک شـده توسـط سـاکنان و بازدید کننـدگان بـه طـور یکسـان اسـت. دوم، نظریـه اثبـات گرایـی معتقد اسـت که حـس مکان فقـط یک کیفیت محیطـی نیسـت بلکه یـک فرایند شـخصی و اجتماعی اسـت کـه فضاها بـه مکان تبدیـل میشـود. نظریه های پوزیتیویسـتی اخیـرا بیـان میکننـد کـه حـس مـکان پاسـخ چنـد بعـدی انسـان بـه محیـط فیزیکـی اسـت و تمایـل بـه تمرکـز بـر معنـای مرتبـط با حـس مکان دارند.

تـا حد زیـادی، همـه پایه های معرفت شـناختی، سـه مولفـه اصلـی مـکان را تصدیـق کـرده انـد؛ محیـط فیزیکـی، فعالیتهـا، و معنـا. تنهـا تفـاوت بیـن تفاسـیر مختلـف ایـن اسـت کـه هـر کـدام از آنهـا بـر یکـی از

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

جدول ۱. معیارهای مربوط به سنجش حس مکان از دیدگاه صاحب نظران؛ ماخذ: نگارندگان.

دیدگاه	صاحب نظران	تعاریف	معیارهای مطرح شده مربوط به سنجش حس مکان
جامعه شناسی	دیوید هامون	حس مکان عبارتند از ادراکات ذهنی افراد درباره محیطشان و احساسات کم و بیش خود آگاه آنها در مورد آن	ساختارهای معنایی – هویت مکان
	جنیفر کراس	حس مکان، ترکیبی از رابطه با مکان و حس حضور در اجتماع	ساختارهای معنایی – هویت مکان
روانشناسی محیط	پروشانسکی	مکان به عنوان پایه ای برای شکل گیری و توسعه مفهوم هویت شخصی، هویت فردی را منبعث از هویت مکانی میداند	ادراک ، شناخت و نهایتاً احساسات نسبت به مکان– همچنین تاکید بر عوامل کالبدی و اجتماعی(تعامل و ارتباط تنگاتنگ فرد با محیط خود)
	آلتمن	حس مکان فراتر از از تجربه شناختی است و عقاید فرهنگی مرتبط کننده افراد با محیط را شامل میشود	مقیاس، اختصاصی بودن، قابل دسترس بودن
	راپاپورت	حس مکان بصورت نمادها و سنبل های فرهنگی – اجتماعی کالبدی در محیط بروز میکند	تاکید بر تقش مولفه های فرهنگی و اجتماعی در شکل گیری محیط کالبدی
اثبات گرایی	شاموئل شامای	حس مکان مخلوطی از احساسات خود آگاه و ناخود آگاه و دریافت ها (ادراک) است و به یک مکان معنا می دهد	ساختارهای معنایی و چگونگی دریافت ، تجربه و بیان افراد
	فریتز استیل	حس مکان شامل احساسات، ادراکات، رفتارها، نتایج و برآمدهایی است که در ارتباط با چیزی است که در آن موقعیت قرار داشته و با آن یکی شده است	عوامل کالبدی– شخصیت مکان – چگونگی تجربه مکان
	ادموند بیکن	فرم های معماری در محیط ایجاد غنا و تنوع می کنند و در ایجاد روح مکان وحس مکان موثرند.	عوامل کالبدی – شخصیت مکان
	کرمونا	عکس العمل سیستم حسی بدن نسبت به محرک های محیطی، حس از محیط را تشکیل میدهد.	آسایش و تصویر ذهنی؛ دسترسی و پیوستگی؛ استفاده ها و فعالیت ها؛ معاشرت پذیری
پدیدارشناسی	رلف	ادراک و قضاوتی که بر مبنای رمزگشایی از معانی در ذهن فرد شکل می گیرد، منجر به خلق حس مکان می گردد	ساختار کالبدی، فعالیت، معنا
	شولتز	مشخص و متمایز هستند حس مکان در مکان هایی یافت می شود که دارای شخصیت	سابقه سکونت و ساختار، معنایابی (تصور محیطی، ادارک و جهت)
	توآن	مکان دوستی، پیوندی بر محبت و تاثیر گذار میان مردم و مکان	شخصیت مکان و حضور فرد

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

مولفه ها بعنوان تاثیرگذارترین مولفه در ارتقای حس مکان تاکید کرده اند. به عنوان یک کیفیت ذاتی محیط زیست، محیط کالبدی در مدل روح مکان مرکزیت دارد. رویکرد اثبات گرایی به شدت تحت تاثیر فعالیت ها و تجربه اجتماعی و زندگی است. همچنین معنا و اثرات تولید شده توسط محیط زیست مورد توجه نظریات اثبات گرایی است. همچنین نظریه های مختلف حس مکان درباره نقش مدت زمان سکونت ساکنان در توسعه حس مکان اختلاف نظر دارند. نتایج برخی پژوهش ها بر احساس ریشه داری بلند مدت مرتبط با قرارگاه های فیزیکی تاکید کرده اند. برخی دیگر بر یک سطح از دلبستگی مثبت و یا آگاهی از محیط در توسعه حس مکان تاکید داشته داند.

۲-۳-شاخص های پیشنهادی حس مکان در ارتباط با موضوع پژوهش و تدوین مدل تحلیل

بصورت کلی مولفه ها و عوامل موثر بر شکل گیری و تقویت حس مکان را میتوان در سه حیطه عملکردی فعالیتی (رفتاری)، فرمی کالبدی و ادراکی احساسی (عاطفی) دسته بندی کرد. حیطه عملکردی فعالیتی که بر نقش عوامل اجتماعی در شکل گیری حس تعلق به مکان تاکید میکند شامل جنبه های مختلف حضور، مشارکت، برقراری تعاملات اجتماعی و برخورداری از حمایت اجتماعی در محیط، جامعه و اجتماعات محلی است. حیطه فرمی کالبدی به چگونگی تاثیرگذاری مولفه های کالبدی در تقویت حس تعلق به مکان، استفاده از راهکارهای محیطی برای کاهش جرم و جنایت، کیفیت مناسب، تراکم مناسب و طراحی آگاهانه محیط خلاصه می شود. همچنین حیطه معنایی ادراکی با ایجاد تصاویر ذهنی و ادراکی درونی بر کیفیت ادراکی فضای معماری و در نهایت شکل گیری و ارتقاء حس مکان موثرند. در این راستا، با انتخاب زمینه کالبدی مطالعات حس مکان، جهت استخراج مدل تحلیلی پژوهش، ابتدا، معیارهای کالبدی سنجش حس مکان بررسی شد. به این ترتیب که ویژگی های فرمی و زیبایی شناسی مولفه کالبدی حس مکان تحت عنوان مولفه کالبدی-زیبایی شناسی، ویژگی های عملکردی و فعالیتی مولفه کالبدی حس مکان تحت عنوان مولفه کالبدی- عملکردی، و ویژگی های معنایی و ادراکی مولفه کالبدی حس مکان تحت عنوان مولفه کالبدی- معنایی دسته بندی شدند. و سپس زیرمعیارهای مربوط به هر کدام از مولفه ها استخراج شد.

۳-روش تحقیق

تحقیق پیش رو، پژوهشی بنیادی- کاربردی است. روش تحقیق، از نوع توصیفی- تحلیلی و در بستری پیمایشی و با استفاده از شیوه های تحقیق مرور متون و منابع و اسناد تصویری در بستر مطالعات کتابخانه ای و اسنادی و از روش های تحقیق پیمایشی و موردی و شیوه های تحقیق مصاحبه، پرسش نامه و بازنمایی در بستر مطالعات میدانی سود جسته است. جامعه آماری در بخش سنجش حس مکان، محلات چشمه و دهکده المپیک (در منطقه ۲۲ شهرداری تهران) می باشند. در بخش آمار تحلیلی این تحقیق دو اقدام صورت گرفته است؛ در اقدام اول و به منظور ارزیابی اعتبار ویژگی ها و مشخصه های محیطی تعیین شده در هر پرسش نامه، تحقیق در معناداری رابطه تصور شده میان ویژگی های محیطی و گزاره های طرح شده در مورد القاء حس مکان و رتبه بندی فاکتورهای اثرگذار بر حس مکان از مدل سازی معادلات ساختاریSEM و تحلیل عامل تاییدی CFA و برای برآورد یابی پارامترها، از روش برآورد حداکثر درست نمایی MLE استفاده شده است. در اقدام دوم در جهت تعیین معناداری رابطه میان حس مکان و مولفه های تعیین شده، از آزمون همبستگی پیرسون و مدل های رگرسیون خطی چندگانه بهره گرفته است. همچنین از روش تصمیم گیری چند معیاره TOPSIS برای رتبه بندی مولفه های القا کننده حس مکان در بین شهروندان استفاده شده است. ذکر این نکته لازم

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

است کـه در تحلیـل و ارزیابـی داده هـای این رسـاله از نـرم افزارهـایLISREL, SPSS , EXEL بـه کار گرفتـه شـده اسـت. در ارتبـاط با پرسشـنامه بـا هدف طراحـی سـئوالاتی مرتبـط و اختصاصـی بـرای هریک از معیارهـا، «طیـف پنـج قسـمته لیکرت» برای پاسـخ سـاکنان، مـورد توجـه قرا گرفتـه که مقیاسـی تجمعی اسـت که بر اسـاس آن، پاسـخ دهنـدگان نظـر خود را در قالـب درج هـای از شـدت و نیرومنـدی، مشـخص مـی کننـد. در خصـوص تعییـن حجـم نمونه نیـز باید اشـاره شـود کـه دو محلـه شـهرک دهکـده المپیـک، چشـمه، را بـه صـورت واحدهایـی مجـزا امـا هریـک دارای ویژگـی هـای نسـبتاً همگـن در درون خـود، در نظـر گرفتـه شـده انـد از ایـن رو، از روش نمونـه گیـری تصادفی سـاده و روش کوکران اسـتفاده شـده اسـت. بـر ایـن اسـاس و بـر مبنـای درصـد اطمینـان ۹۹ و همچنیـن سـطح خطـای ۰,۱ (دقـت مـورد نظـر معـادل ۰,۱ فاصلـه نسـبت بـه جامعـه)، ۳۱۱ نمونه در مجمـوع و بـه ترتیـب شـامل ۱۵۴ و ۱۵۷ نمونه مربوط به شـهرکهای دهکده المپیک و چشـمه محاسـبه شده و مـورد توجه میباشـد.

۴-بحث و یافته ها

۴-۱- تحقیـق در برازندگـی مـدل پیشـنهادی سـنجش میـزان حـس مکان

در ایـن بخـش برازندگـی مـدل پیشـنهادی سـنجش میـزان حـس مـکان در توسـعه جدید شـهری (شـکل شـماره۱) و اعتبـار سـازه تدویـن شـده برای سـنجش میـزان حـس مـکان در شـهروندان عـادی بررسـی مـی شـود. بدیـن منظـور از روش مدلیابـی معـادلات سـاختاری (Structural Equational Modeling) تحلیـل عاملـی تاییـدی (Confirmatory Factor Analysis) و بـرآورد حداکثـر درسـتنمایی (MLE) بـرای بـراورد پارامتـر هـای مدل پیشـنهادی اسـتفاده شـده اسـت. در جـدول زیـر شـاخص هـای مرتبـط با محاسـبه درجـه آزادی و آمـاره مجـذور کای در مـدل پیشـنهادی سـنجش میـزان حـس مـکان آورده شـده است.

جدول ۳. ارزیابی برازش مدل پیشنهادی سنجش میزان حس مکان با استفاده از شاخص RMSEA

شاخص	RMSEA	Lo۹۰	FL۹۰
مقدار اماره	۰/۰۴۹	۰/۰۵۱	۰/۰۵۳

همانگونـه کـه در جـدول ۳ مشـاهده می شـود مقدار امـاره RMSEA وشـاخص هـای دیگـر در حـدود (۰,۰۵) بـرازش بسـیار مناسـب بدسـت امـده اسـت.

۴-۲- ارزیابـی وضعیـت القـای حـس مـکان در منطقـه ۲۲ شـهرداری تهران

ارزیابـی وضعیت القـای حس مـکان در مطالعه موردی شـامل دهکـده المپیـک و چشـمه، بـه واسـطه تلفیق معیارهـای ده گانـه مـورد توجـه در این زمینه، شـامل خوانایـی، قابلیـت ادراک مـکان، هویـت و شـخصیت (در حیطـه معنایـی) و غنـای بصری، کیفیـت کالبدی فضایـی، تناسـبات بصـری (در حیطه زیبایی شناسـی) و قابلیـت دسترسـی، انعطـاف پذیـری مکان، آسـایش، دعـوت کننده بودن مـکان (در حیطه عملکردی) انجام شـده اسـت. وضعیـت هریـک از معیارهـای یادشـده از نقطـه نظـر سـا کنـان در سـایه انجـام تحلیـل عاملی، مشـخص شـده اسـت. بـا محاسـبه ضریـب اهمیت هر کـدام از معیارهـا و بـا توجـه به مشـخص بـودن امتیاز آنهـا در ارتبـاط بـا هریک از شـهر کهای مـورد مطالعه، سـنجش وضعیـت احـراز و تشـخیص حـس مـکان از نقطـه نظـر سـاکنان می توانـد انجـام گیرد.

۴-۲-۱- آزمـون همبسـتگی میـان مولفـه های حـس مکان

ارتبـاط بیـن شـاخص هـای مؤثـر حـس مـکان، بـر اسـاس نتایـج بـه دسـت آمـده از پرسشـنامه و آزمـون هـای آمـاری (آزمـون همبسـتگی) بیـان مـی گـردد. ایـن آزمـون رابطه بیـن متغیرهـا یا همان شـاخصهای مـورد مطالعـه را بررسـی و تحلیـل کـرده و در نهایـت بـه نتایـج مسـتند میرسـد. آزمـون همبسـتگی میـان عوامل در قالب آزمون همبسـتگی پیرسـون در SPSS انجـام گرفتـه و تأثیـرات عوامـل محیطـی و درونـی بر یکدیگـر تعییـن می‌شـوند. وجـود همبسـتگی نسـبی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

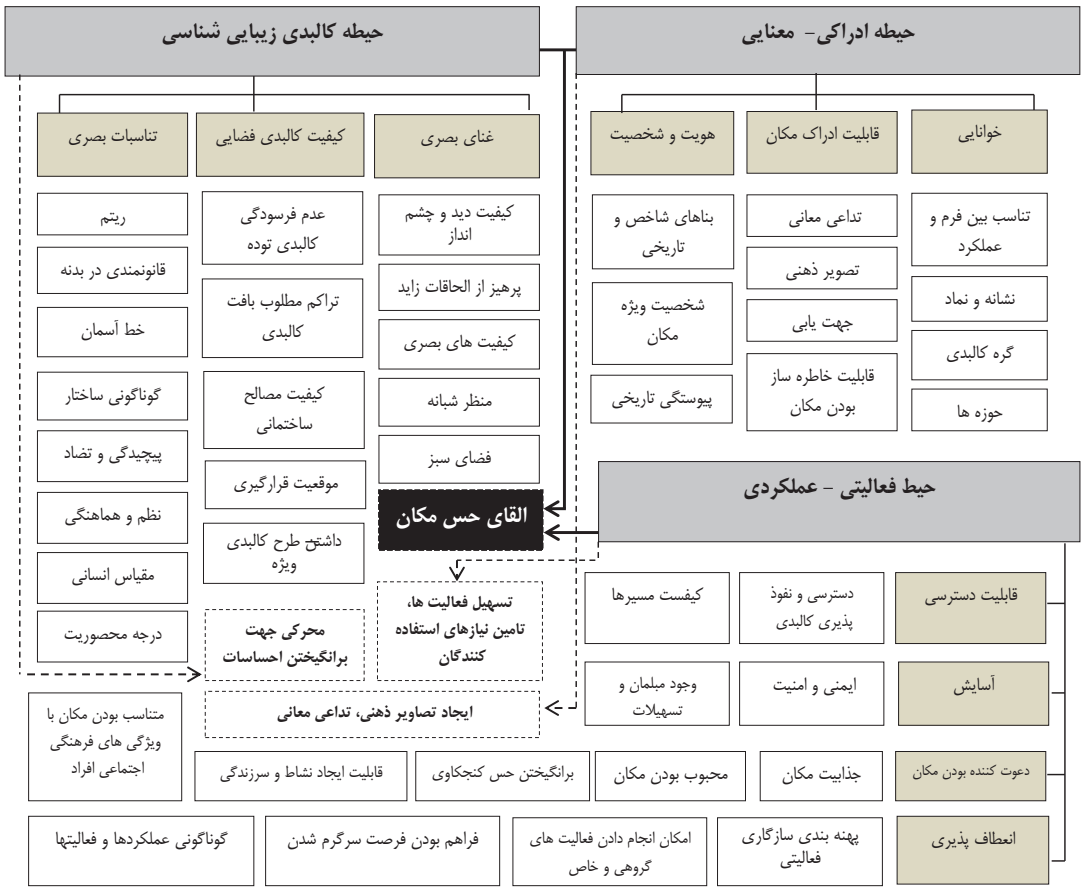

شکل ۱.مدل مفهومی عوامل شکل دهنده حس مکان؛ ماخذ: نگارندگان

بالا استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری (SEM) را بعنوان یک ابزار مناسب تحلیل معنی داری ارتباطات پیشنهاد می‌کند.

با توجه به نتایج بدست آمده از جداول ۴ می توان گفت تقریبا همبستگی بالایی همه عوامل و یا معیار ها با زیر معیارهایشان وجود دارد. مولفه کالبدی زیبایی شناسی با ضریب همبستگی ۰,۴۹۶ بیشترین همبستگی را با انگاره حس مکان دارد، پس از آن مولفه عملکردی فعالیتی با ضریب همبستگی ۰,۳۱۴ و در نهایت مولفه ادراکی معنایی با ضریب همبستگی ۰,۳۰۶ همبستگی مثبت و معنادار با انگاره حس مکان دارد.

۴-۲-۲- بررسی معناداری و میزان رابطه فاکتورهای تحقیق بر روی میزان حس القای مکان

جداول زیر نشان دهنده تاثیر هر یک از متغیرهای اندازه گیری شده پرسشنامه بر روی متغیر مکنون میزان حس القای مکان می باشد. هم چنین مقدار آماره آزمون و مقدار معنی داری مربوط به آزمون رگرسیونی تاثیر هر یک از این ابعاد بر روی متغیر میزان حس القای مکان مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به مقادیر بدست آمده می توان گفت تمامی این متغیرهای اندازه گیری شده در تبیین پراکندگی متغیر وابسته (میزان حس القای مکان) تاثیر گذار هستند($p<0,05$).

نتایج جدول بالا نشان می دهد از دید شهروندان شرکت کننده در این تحقیق، رابطه علت و معلولی میان انگاره حس مکان و مولفه های کالبدی، عملکردی و معنایی، معنی دار بوده (آماره P کوچکتر از ۰,۰۵) و این مولفه ها بر حس مکان اثر میگذارند.

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

جدول ۴. تأثیرات عوامل محیطی و درونی بر یکدیگر با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون

عوامل	حیطه ادراکی معنایی میزان همبستگی (p-value)	حیطه کالبدی زیبایی شناسی میزان همبستگی (p-value)	حیطه عملکردی فعالیتی میزان همبستگی (p-value)	القای حس مکان میزان همبستگی (p-value)
ادراکی معنایی	-	۰/۱۶۳(۰/۰۰۲)	۰/۱۰۴(۰/۰۰۶)	۰/۳۰۶(<۰/۰۰۰۱)
کالبدی زیبایی شناسی	۰/۱۶۳(۰/۰۰۲)	-	۰/۲۱۶(<۰/۰۰۰۱)	۰/۴۹۶(<۰/۰۰۰۱)
عملکردی فعالیتی	۰/۳۰۶(<۰/۰۰۰۱)	۰/۲۱۶(<۰/۰۰۰۱)	-	۰/۳۱۴(<۰/۰۰۰۱)
القای حس مکان	۰/۳۰۶(<۰/۰۰۰۱)	۰/۴۹۶(<۰/۰۰۰۱)	۰/۳۱۴(<۰/۰۰۰۱)	-

جدول ۵. ضرایب رگرسیونی متغیرهای مورد مطالعه

نقش		بتا	خطای استاندارد	آماره آزمون	P مقدار
متغیر مستقل	متغیر وابسته				
حیطه ادراکی معنایی	القای حس مکان	۱/۹۵	۰/۳۳	۱۱/۳۴	۰,۰۰۳
حیطه فعالیتی عملکردی	القای حس مکان	۲/۴۵	۰/۱۸	۱۳/۷۹	۰,۰۴۸
حیطه کالبدی زیبایی شناسی	القای حس مکان	۲/۴۳	۰/۱۷	۱۴/۵۳	۰,۰۰۰۱>

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۵-۳- رتبه بندی معیارهای سنجش حس مکان از دیدگاه شهروندان عادی و متخصصان با استفاده از روش تاپسیس (نتایج ماتریس d+ و ماتریس CL+) در این بخش معیار های سنجش میزان حس مکان از نگاه شهروندان، رتبه بندی شده اند. به منظور انجام دادن این مهم نیز از روش های تحلیل عاملی (برای بدست آوردن برآوردهای وزن فاکتورهای حس مکان) و تاپسیس (برای الویت بندی معیار های سنجش براساس مقایسه آنها با وضعیت ایده ال حس مکان از نگاه شهروندان عادی) استفاده شده است. در واقع الگوریتم تاپسیس، یک روش چند شاخصه جبرانی بسیار قوی برای اولویت بندی گزینه ها از طریق شبیه نمودن آنها به گزینه ایده آل می باشد. در این روش گزینه ها، باید کوتاه ترین فاصله را از جواب ایده آل و دورترین فاصله را از ناکارآمدترین جواب داشته باشند.

نتایج جدول فوق نشان میدهد از دید شهروندان، از بین معیارها آسایش بالاترین رتبه در حس تعلق به مکان داشته است و انعطاف پذیری کمترین رتبه در میزان حس تعلق به مکان در بین معیار های در نظر گرفته شده در این تحقیق را به خود اختصاص داده است.

۶-نتیجه گیری و جمعبندی

پژوهش حاضر با کنکاش در مفهوم حس مکان

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

جدول ۶. رتبه بندی معیارهای سنجش حس مکان از دیدگاه شهروندان با استفاده از روش تاپسیس (نتایج ماتریسd^+ و ماتریس CL^+)

	نتایج ماتریسd^+ (فاصله گزیده از ایده آل مثبت)	نتایج ماتریسCL^+ (میزان نزدیکی نسبی هر گزیده با راه حل)
خوانایی	۰,۰۲۲۷	۰,۰۳۷۵
ادراک مکان	۰,۰۷۲۴	۰,۰۲۵۲
هویت وشخصیت	۰,۰۴۲۵	۰,۰۷۷۵
قابلیت دسترسی	۰,۰۶۵۲	۰,۰۱۳۳
آسایش	۰,۰۵۲۴	۰,۰۲۳
دعوت کننده مکان	۰,۰۷۵۵	۰,۰۸۳۴
انعطاف پذیری	۰,۰۳۷۵	۰,۰۵۲۴
غنای بصری	۰,۰۸۹۴	۰,۰۵۲۷
کیفیت کالبدی فضایی	۰,۰۲۴۷	۰,۰۳۷۳
تناسبات بصری	۰,۰۳۷۵	۰,۰۵۲۴

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

به بررسی مکاتب مختلف مطالعاتی در این حوزه پرداخت و اصول و زمینه های گوناگون مطرح در این مفاهیم و مطالعات را در چارچوبی نظری تدوین نمود. سپس با انتخاب زمینه کالبدی مطالعات حس مکان به مرور تجربیات و پژوهش های مختلف در این عرصه پرداخت و در چارچوب مبانی نظری مطرح شده، شاخص های موثر بر شکل گیری حس مکان از منظر کالبدی را مشخص و در نهایت نه شاخص کلیدی را ارائه نمود. به منظور تبیین رابطه میان عوامل کالبدی و حس مکان، همبستگی این دو متغیر مورد بررسی قرار گرفت که طبق نتایج بدست آمده، بین عوامل کالبدی و حس مکان رابطه معنادار قوی وجود دارد. همچنین بیشترین همبستگی معنادار و مثبت، بین شاخص های کالبدی مطرح شده و انگاره حس مکان وجود دارد بطوریکه ضریب همبستگی معیارهای غنای بصری، کیفیت کالبدی فضایی و تناسبات بصری به ترتیب ۰,۴۸۲ ، ۰,۲۳۹ و ۰,۳۶۴ بدست آمد. همچنین همبستگی عوامل عملکردی و معنایی با انگاره حس مکان در نمونه های مطالعه نیز بررسی شدند و مشخص شد که از نظر ساکنان مهم ترین شاخص های القای حس مکان ویژگی های کالبدی و بعد از آن به ترتیب ویژگی های عملکردی و معنایی هستند. گفته شد که حس مکان از مجموع ویژگی های محیطی و الگوهای ذهنی افراد تشکیل شده است. این مفهوم از برآیند خصوصیت های محیط کالبدی و ارزیابی این خصوصیت ها توسط استفاده کنندگان از مکان شکل گرفته و از فردی به فرد دیگر متفاوت است. همچنین بر نقش عوامل کالبدی، اجتماعی و فرهنگی و فردی در شکل گیری حس مکان تاکید شده است. در جایگاه نتیجه گیری و بر مبنای سهم و جایگاه این پژوهش، باید اشاره کرد شکل گیری حس مکان در مناطق شهری جدید، مبتنی بر فرآیندی مبنی بر تعامل ساکن و محل سکونت و در نتیجه شخص و مکان است.

بطور کلی طبق نتایج بدست آمده، عوامل کالبدی در شکل گیری حس مکان در دو سطح در محیط موثر است:

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

جدول ۷. رتبه بندی معیارهای سنجش میزان حس مکان از نگاه شهروندان با استفاده از روش تاپسیس

	رتبه گزینه ها	رتبه
آسایش	۰,۸۳۶	رتبه۱
غنای بصری	۰,۸۱۲	رتبه۲
دعوت کننده مکان	۰,۷۲۹	رتبه۳
قابلیت دسترسی	۰,۶۵۸	رتبه۴
خوانایی	۰,۶۳۶	رتبه۵
هویت وشخصیت	۰,۵۵۸	رتبه۶
تناسبات بصری	۰,۵۳۶	رتبه۷
کیفیت کالبدی فضایی	۰,۰۴۹۴	رتبه۸
ادراک مکان	۰,۰۴۴۷	رتبه۹
انعطاف پذیری	۰,۰۳۷۵	رتبه۱۰

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

در سطح اول، عناصر کالبدی محیط با همسازی فعالیت ها از طریق تامین و قابلیت انجام آن و با ارضاء نیازهای فردی این حس را از مکان فراهم می نمایند. در این سطح ویژگی های کالبدی محیط با تسهیل فعالیت منطبق بر الگوهای رفتاری افراد و با تامین نیازهای استفاده کنندگان از مکان، در برقراری رضایت از محیط موثر واقع شده و امکان ایجاد و ارتقاء حس مکان را فراهم می نمایند. در سطح دوم، عناصر کالبدی محیط از طریق تناسب بین فرم و عملکردها، تمایز کالبدی، خوانایی، تداعی معنایی، واسطه بصری در ایجاد ارتباط ذهنی بین استفاده کنندگان از مکان را فراهم می نمایند. در این سطح عناصر کالبدی، منبعث از تصاویر ذهنی افراد و ادراک آنان از محیط بوده و زمینه را برای تقویت پیوندها در محیط و در نهایت افزایش دلبستگی به مکان ایجاد می کند. این مهم که هم در سطح نظری و به واسطه نظریه ها، دیدگاه ها و نیز پژوهشهای مورد استناد و هم در سطح تجربی و در ارتباط با مطالعه موردی، منطقه ۲۲ تهران، تأیید شده و مورد تأ کید قرار گرفت، گویای نقش و اهمیت مولفه های کالبدی در ارتقاء حس مکان در مناطق شهری جدید است. و در نهایت ، انجام مطالعات هدفمند با محوریت یک، چند یا تمامی معیارهای ده گانه شناسایی شده و مورد توجه، مبتنی بر یک یا چند نمونه مطالعاتی خاص، محور قابل توجه دیگری است که در زمینه شکل گیری تحقیقات آتی و مطالعات بیشتر، با هدف تداوم، تکمیل و تدقیق یافته ها و دستاوردهای نظری و تجربی پژوهش حاضر، پیشنهاد میشود.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]

منابع و ماخذ

۱)پرتوی، پروین (۱۳۹۲) پدیدار شناسی مکان، چاپ دوم، انتشارات متین، تهران.

۲)رلف، ادوارد (۱۳۸۹) مکان و بی مکانی، ترجمه محمدرضا محمدی، تهران، آرمانشهر.

۳)گلکار، کورش (۱۳۹۳) آفرینش مکان پایدار، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

۴)لنگ، جان (۱۳۹۴) آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه: علیرضا عینی فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۵)مرتضوی، شهرناز (۱۳۹۲) روانشناسی محیط و کاربرد آن، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۶)نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۹)، روح مکان: به سوی پدیدارشناسی معماری . ترجمه : محمد رضا شیرازی، چاپ دوم، تهران: رخ داد نو

7)Agnew, J. A. (1987), Place and Politics: The Geographical Mediation of State and Society. Boston: Allen & Unwin.

8)Altman, I., & Low, S. (1992). Place attachment. New York: Plenum.

9)Bonnes, M; Secchiaroli, G (1995), Environmental Psychology, a psychosocial introduction, Sage Publication, London.

10)Canter, D. (1977a), The Psychology of Place. London: Architectural Press.

11)Canter, D. (1977b), Book review of E. Relph, `Place and placelessness'. Environment and Planning B, 4 120-118.

12)Fisher, S, Murray, K & Frazer, A(1985), Homesickness, health and efficiency in first year students, Journal of Environmental Psychology, 5(2), 181-195

13)Gustafson, P, 2006, Place Attachment and Mobility, pp. 17-31, CAB international (Jorgensen & Stedman, 2001, 2006)

14)Hummon , David , 1992 , Community Attachment Local Sentiment and Sense of Place , In Place Attachment , New York press , 253-278

15)Kaplan, S (1995), The restorative benefits of nature: Toward an integrated framework, Journal of Environmental Psychology, 15, 169-182.

16)Lindsay J. McCann, Robert Gifford,2014, Interrelations between sense of place, organizational commitment, and green neighborhoods, Cities, 41 , 20

17)Proshansky, H. M. (1978). The city and self-identity. Environment and Behavior, 10,147–169.

18)Riley, R (1992), Attachment to the ordinary landscape, In I. Altman and S. Low (Eds.), Place attachment, Plenum Press, New

19)Shamai,S. (1991), Sense of place: an empirical measurement, Israel, geoforum, Vol.22, pp.: 347-358

20)Stefano Vic, I. L. (1998) Phenomenological Encounters with Place: Cavtat to Square One, Journal of Environmental Psychology, 18, 31-44

21)Tuan, Y. F. (1974), Topophilia. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.

22)Tuan, Y. F.(1980), Rootedness versus sense of place, Landscape, No. 24, 3-8.

23)Tuan, Yi-Fu, 1977, Space and Place: The perspective of experience. Minnesota: The University of Minnesota press

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-26]